

# پاسخ محمدعلی عموئی به "آرش"

## آقای "کشتگر" هم خود را به قافله رساند!

کردن نام اشخاص حقیقی داخل کشور و منتسب ساختن آنها به این یا آن جریان سیاسی چیزی نیست جز پرونده سازی و شمشیر به دست زنگی مست دادن و دیگران را در معرض خطر قرار دادن!

دنبال پرونده سازی نشریه "آرش" برای توده‌ای‌های داخل کشور، نشریه "میهن" که سردبیری آنرا "علی کشتگر"، لیدر سابق فراکسیون سازمان فدائیان خلق ایران (پیش از یورش رژیم به حزب توده ایران)، برعهده دارد، نیز با رونویسی از مطالب نشریه "آرش" به جمع نشریات چاپ لندن و پاریس، برای پرونده سازی علیه توده‌ای‌های داخل کشور پیوست. نشریه "میهن"، که فعلا از زیرقلم علی اصغر حاج سید جوادی و علی کشتگر رد می‌شود، ضمن تکرار مطالب شماره ۵۵ نشریه آرش، چند نکته باصلاح تازه نیز بر آن افزوده و تحت عنوان "عموئی و تشکل جدید به نقل از یک نامه" آنرا منتشر ساخته است. برای همه آنها که کارزار جدید علیه حزب توده ایران را در کیهان لندن، آرش، میهن و سرانجام نشریه نیروز، که نقش اسب یدک کش رادیو ۲۴ ساعته ایرانیان مقیم امریکا را برعهده دارد، دنبال می‌کند، یک نکته قابل توجه است. نکته‌ای که در تمام مطالب منتشر شده در این نشریه، با مضمونی مشابه، همگی متکی به نامه‌ای دریافتی (بی نام و نشان) می‌باشند. برای آرش یک مبارز قدیمی نامه نوشته که نام و نشان، بدلیل قدمت حضور در صحنه بر کسی معلوم نیست! برای میهن و آقای کشتگر هم نامه‌ای با همین مضمون رسیده! و پیش از هر دو این نشریات، برای کیهان لندن هم با مضمونی تقریبا مشابه یک "فرد مطلع" و "منبع آگاه" مطالبی را نقل کرده است!!

ابتدا کیهان لندن از درون بازداشتگاه وزارت اطلاعات و امنیت خبر گرفت که نورالدین کیانوری سازمان اطلاعاتی روسیه را به جمهوری اسلامی وصل کرده و توده‌ای‌ها در مطبوعات داخل کشور رسوخ کرده‌اند!

سپس "آرش" نوشت که محمد علی عموئی و نورالدین کیانوری گویا با یک یا چند نفری که تحت عنوان "چپ دمکراتیک ایران" بیانیه صادر کرده‌اند و انتخابات را تحریم کرده‌اند، در ارتباط می‌باشند.

و حالا، "میهن" می‌نویسد که عموئی یک کتاب ۱۸۰ صفحه‌ای خاطرات نوشته و در آن ضمن صحنه گذاشتن به خاطرات کیانوری بد و بیراه به چند تن از افسرانی گفته است که بعد از انقلاب به حزب توده نپیوستند و امروز هم روی خوشی به او و حزبی که درست کرده، نشان نمی‌دهند. البته "میهن" بی احتیاطی "آرش" را تکرار نکرده و نام از حزب و تشکیلاتی نمی‌برد.

پاسخ به مطالبی که آقای "علی کشتگر" در نشریه "میهن" منتشر کرده، همان است که در راه توده شماره ۵۰ و در پاسخ به نشریه "آرش" داده شد. به نظر می‌رسد، که این داستان دنباله دار باشد و پس از پاریس و نشریات فارسی زبان چاپ فرانسه، به دیگر نشریات نیز راه یابد. چه این مسیر طی شود و چه به هر دلیلی طی نشود، تغییری در ارزیابی ما درباره انگیزه این کارزار نوین ضد توده‌ای که در شماره ۵۰ راه توده منتشر شد و همان زنده بودن و فعالیت کردن حزب توده ایران است، نمی‌دهد.

## نشریه "کار"

نشریه "کار" نیز در رابطه با مطالب منتشره در نشریه آرش، شکرده آشنائی را به کار گرفت. مسئولین این نشریه با حفظ ظاهر بی طرفی، اساسی ترین بخش‌های اتهامی نشریه آرش را در صفحه مخصوص نظرات و احزاب و... خود منتشر ساخت. از دو پاسخ راه توده و نشریه نامه مردم به آرش نیز قسمت‌هایی را نقل کرد. از نامه مردم، آن قسمت را که تلویحا تأیید مطالب آرش بود، و از "راه توده" بخش‌هایی از هم گسیخته‌ای که ارزیابی ما را درباره انگیزه واقعی این کارزار دربر نداشت!

بدین ترتیب "کار" تلاش کرد، تا به نقل از "آرش" همان کارزار را دنبال کند!

در پاسخ به مطلب منتشره در نشریه "آرش"، که طی آن با استفاده از لغات و اصطلاحات توهمین آمیز، برای جمعی از سیاسیون چپ ایران پرونده سازی شده بود، نامه‌ای به امضای محمد علی عموئی، دبیر و عضو هیات اجراییه حزب توده ایران، که پس از ۱۲ سال از زندان جمهوری اسلامی رهایی یافته، به "راه توده" رسیده است. "راه توده" ارزیابی خود را پیرامون انگیزه انتشار این نوع مطالب در نشریات وابسته به چپ و راست در خارج از کشور را در شماره ۵۰ منتشر ساخت و تصریح کرد، که همه بیم و هراس این "چپ" و "راست" (نظیر کیهان لندن و آرش و میهن) از ادامه موجودیت و حیات حزب توده ایران و از آن بسیار مهم تر حضور حزب توده ایران در داخل کشور و در چارچوب سیاسی است، که در نشریه "راه توده" و در ارتباط با حوادث داخل کشور منعکس می‌شود.

محمد علی عموئی، که ۳۷ سال از عمر خود را در دو زندان جمهوری اسلامی و سلطنتی گذرانده است، در بخشی از نامه خود که خطاب به مجله آرش و مسئول تحریریه آن نگارش یافته و تاریخ آن ۱۲ مرداد ماه ۷۶ است، می‌نویسد:

"در شماره ۵۵ مجله آرش، مطلبی سراسر دروغ به قلم باصطلاح یک "مبارز قدیمی در ایران" چاپ و نشر یافته است. درج چنان "مطلب زشت و موهنی در آرش" بکلی بی سابقه و سخت حیرت انگیز است. انتظار می‌رود مجله آرش به موجب قانون مطبوعات و حق انکار ناپذیر اینجانب در پاسخگویی به "مطلب" مندرج در آن مجله، شرح زیر را در همان صفحه و با همان حروف، در نخستین شماره بعدی آرش درج نماید...

نقد و مخالفت با موضع این یا آن حزب و سازمان سیاسی حق مسلم هر فرد و گروه است. بکارگرفتن اصطلاحاتی چون "روزیونیست"، "آپورتونیست"، "سازشکار" و حتی "حزب توده اسلامی" نیز ابداع تازه‌ای از سوی عناصر ضد توده‌ای نیست.

حزب توده ایران، کهن ترین و ریشه دارترین سازمان سیاسی این مرز و بوم، همواره از دو سو در معرض حملات خصمانه بوده است:

- ۱- از سوی حکومت‌ها؛
- ۲- از سوی افراد و جریان‌ها ضد توده‌ای.

ضرب و شتم، محدودیت و سرکوب، حبس و تبعید، اعدام و حذف فیزیکی و روانی و... ابزار تمامی حکومت‌های غیر مردمی است در رویارویی با مخالفان. و دومی‌ها، براساس نظرات و تحلیل‌های خود به مخالف خوانی پرداخته، بازیانی تند و خشن و گاه سخت بی نزاکت، موضعگیری و اظهار نظر کرده و می‌کنند. البته بیان و رفتار ضد توده‌ای‌های بریده از حزب همیشه مقوله دیگری بوده است. این جمع در لجن پراکنی، هتاکی و بهتان زدن پیوسته جایگاه ویژه داشته‌اند.

آن "مبارز قدیمی" که برای نشریه شما مطلب ارسال داشته و یا مطلب نوشته، اما شهادت معرفی خود را هم نداشته، ظاهرا زمانی به خطا- هم‌مرم توده‌ای‌ها بوده است، بهتان و افترا را تا بدان مرز رسانده است که حتی برای شار فروتنانه پنجاه ساله کسی که بیش از چهل سال چوبه دار را، بدون هیچگونه ادعا بر دوش داشته و دارد، چشم فرو بسته، زشت ترس و غیر مسئولانه ترین اتهامات را نتارش می‌کند.

محمد علی عموئی نامه خود را اینگونه پایان می‌برد: "نگارنده این سطور، ضمن اعلام پایبندی به باورهای شناخته شده‌ام، واکنش مشابه رادون شان خود می‌دانم... اما اینکه ادعا شده است، فلانی در پشت سر جریانی به نام اتحاد دمکراتیک چپ و یا اتحاد چپ دمکراتیک است، بکلی عاری از حقیقت است. اینجانب جز دریافت پستی نسخه‌ای از بیانیه این جریان، هرگونه اطلاع یا همکاری با آن را قویا تکذیب می‌کنم و بر آنم که این گونه عنوان